

عبدالله خادمیان

خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش

مقدمه

برتری نژاد انسان بر سایر حیوانات را در چندین صفت از قبیل اختلاف انگیزه و تمایلات، نیروی مشاهده، یادگیری، نگاه داری و یادآوری دانسته‌اند. اما مهمترین امتیاز انسان دارا بودن یک نوع فعالیت ذهنی است که به وسیله آن می‌تواند محیط خود را تغییر دهد و آن را برای ادامه زندگی خود مناسب سازد. او از این استعداد به شکلهای گوناگونی بهره می‌گیرد. این استعداد، "تفکر" نام دارد که پیروزی انسان بر طبیعت نتیجه وجود این استعداد در اوست. ملتی پیشرفته است و توانائی پیشرفت دارد که افراد آن به تفکر و استدلال درست عادت کرده باشند. ایجاد این عادت بسیار ضروری و پسندیده، نیز به عهده خانواده و مدرسه است. مدرسه باید نمونه کوچکی از جامعه ای باشد که در آن دانش‌آموزان با مسائل مختلف زندگی آشنا می‌شوند و از طریق راهنمایی و اندیشیدن بیاموزند که چگونه با مشکلات فردی خود روبه‌رو شوند.

■ ویژگی‌های دانش‌آموز در امر تغییرات

یکی از ویژگی‌های اساسی انسان یادگیری است. یادگیری در نحوه‌ی مواجهه‌ی انسان با تغییرات محیطی موثر است. انسان‌ها با تغییر در فکر و رفتار خود قادر می‌شوند تا در خود و محیط خود دگرگونی تغییرات و تحولات مناسبی را به وجود

کار برده می‌شود و استدلال که یکی از مراحل تحقیق می‌باشد) و خلاقیت، (که همان قدرت تجسم و پیش بینی و ایجاد ایده‌ها می‌باشد) اشاره نمود.

"معمولا خلاقیت را به عنوان شکلی از حل مشکل تعریف می‌کنند که از خصوصیات آن آرایه‌ی راه حل بدیع و مفید برای مشکلات است"

تغییر و نوآوری در سازمان آموزش و پرورش

در شرایط کنونی، وزارت آموزش و پرورش با توجه به گستردگی و نقش زیربنایی اش در جامعه، مسئولیت اصلی ایجاد خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان جامعه را به عهده دارد. البته انجام این مهم در گرو اعمال تغییر و تحول اساسی در رسالت و ساختار سازمانی آموزش و پرورش می‌باشد.

به گفته‌ی بسیاری از بزرگان کشورهای اروپایی، در ابتدا باید سازمانی که تحول و پویایی را در وجود نسل‌های آینده تزریق می‌نماید، متحول شود تا جامعه آمادگی لازم را برای تحول به دست آورد. این تغییر می‌تواند نقطه عطفی در تحولات نوین یک کشور باشد. پس ابتدا باید بستر مناسب را برای تبلور خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزش و پرورش ایجاد کرد تا بتوان خلاقیت و نوآوری را در جامعه براساس عوامل مذکور شکوفا و هدایت نمود. برای نیل به این منظور ایجاد فضای مناسب در محیط‌های آموزشی الزامی است.

نخستین گام جهت ایجاد فضای مناسب برای ظهور خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی، دور کردن سازمان و مدیریت آموزش و پرورش از مدیریت متمرکز (دستوری) است. بررسی‌ها نشان داده است که تمرکز شدید، مانع بروز خلاقیت و نوآوری در محیط‌های سازمان می‌شود. از آنجا که اصلاح و بهبود امور، مبنای بروز خلاقیت و نوآوری می‌باشد، علاوه بر میل به عدم تمرکز در فعالیتهای سازمانی، نیروی انسانی نیز به ضرورت، باید به سوی انواع روش‌های اصلاح و بهبود هدایت شود. این روش‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- روش تحقیق و توسعه

در این روش سازمان با توسل به محققان برجسته‌ی علم و فراهم آوردن امکانات پژوهشی لازم، عده‌ای را بسیج می‌کند تا از سطح بالا به مسائل و فعالیت‌های سازمان نگاه کنند و نظریات و جهت‌گیری‌های پیشنهادی را ارائه دهند تا پس از بررسی و آزمایش و در صورت به نتیجه رسیدن، آن‌ها را پیاده نمایند. به همین جهت این روش توانایی علمی و پژوهشی بالایی می‌طلبد.

۲- روش سیستم پیشنهادها

در این روش پیشنهادهای مختلف از کلیه کارکنان دریافت می‌شود و بنابر ماهیت و شرایط سازمان مورد استفاده قرار

به گفته‌ی بسیاری از بزرگان کشورهای اروپایی، در ابتدا باید سازمانی که تحول و پویایی را در وجود نسل‌های آینده تزریق می‌نماید، متحول شود تا جامعه آمادگی لازم را برای تحول به دست آورد.

آورند.

تغییر در تفکر و رفتار دانش‌آموز به دو روش تفکر عقلانی و تفکر خلاق امکان‌پذیر است.

تفکر خلاق و حل مسئله به شیوه خلاقانه و ارائه ایده‌های خلاق از مهمترین ویژگیهای دانش‌آموز و مایه تمایز آن‌ها با سایر موجودات است. توانایی آفرینش و خلق ایده‌ها و راه‌حل‌ها و تصورات و خیال‌ها از مهمترین توانایی‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموز می‌باشد و هم‌چنین شدت تغییرات و تحولات محیطی و انسانی و اجتماعی و علمی باعث گردیده تا نیاز به هوشمندی و افزایش قدرت خلاقیت و نوآوری تشدید گردد. لذا بایستی به ایجاد شرایط مناسب برای دانش‌آموز پرداخت و به وسیله مکانیزم‌های مناسب، ساختارهای منعطف، قوانین منطقی و روشهای کارآمد، بر موانع و مشکلات موجود بر سر راه خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان می‌باشد و بر تعداد دانش‌آموزانی که دارای روحیه خلاق و خلاقیت هستند، افزود.

از طرفی افزایش سطح بهره‌وری، منوط به افزایش سطح خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموز می‌باشد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که حیات و ادامه کار آموزش و پرورش در ایجاد خلاقیت و نوآوری و تغییر می‌باشد. اصولاً انسان‌ها به دلیل وجود تفکر و استدلال قادر به ایجاد تغییر و تحول در مفاهیم جدید می‌باشند. پس می‌توان توانایی فکری انسان را به مراحل مختلفی تقسیم‌بندی نمود و از آن جمله می‌توان به جذب، ضبط، (که بعنوان روش مرحله علمی به

یافته، تلاشی صورت گیرد به جای آنها، شیوه‌هایی که تصور می‌شود دست یابی به (بهبود مورد نظر) را میسر می‌سازد، به محک آزمایش و تجربه گذاشته شوند. پس نوآوری می‌تواند مترادف با (تغییر مفید) باشد.

■ نوآوری‌های مدرسه

اساس فعالیت‌های آموزشی مدارس بر پایه (آماده سازی) دانش‌آموزان و تقویت (خودآموزی) آنان گذاشته شده است و هدف آموزش برای زندگی بر فراز تمامی هدف‌ها قرار دارد. براساس این هدف می‌توان به تغییرات بنیادینی اندیشید که متضمن (یادگرفتن برای زندگی بهتر) باشد. از برجسته ترین حیطه‌های قابل تغییر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- تغییر در شیوه کار معلم (بهبودی کیفیت تدریس معلمان) بهسازی کیفیت تدریس (مهارت‌های حرفه‌ای) معلمان، نیاز آشکار جامعه آموزش دهنده‌ی امروز ماست. نقش معلم به کلی در حال دگرگون شدن است. در آموزش‌های مدرسه، همه جا شاهد بارور شدن فعالیت‌های گروهی هستیم. گروه‌های آموزشی مدارس که از گروه‌های درمانی بیمارستان الگو گرفته‌اند در زمینه‌های خاص به بحث و گفتگو و تبادل نظر می‌پردازند و تصمیم‌گیری‌های جمعی می‌کنند. آنگاه که معلمان بتوانند به صورت گروهی فعال باشند، خواهند توانست شیوه‌های تدریس خود را از حالت بسته یا (خودمدار) به حالت باز یا (شاگرد مدار) تغییر دهند.
- ۲- سهیم کردن معلمان و کارکنان در مدیریت و گرداندگی مدرسه:

مدرسه مانند خانواده است. در خانواده علاوه بر این که هر عضوی از عهده‌ی کاری بر می‌آید و برپایه توانی که دارد وظیفه‌ای بر عهده می‌گیرد، به نوعی در فعالیت‌های جمعی و دیگر وظایف خانوادگی نیز مشارکت می‌کند. این مشارکت که زاینده‌ی تعلق است، در واقع ستون نگاه دارنده مجموعه‌ی خانواده به شمار می‌آید. چنان چه هریک از اعضاء، شناختی از مسئولیت‌های جمعی داشته باشد و سهمی از آن را به عهده بگیرد، یکپارچگی خانواده حفظ خواهد شد. معلمان و کارکنان مدرسه نیز علاوه بر اینکه مسئولیت‌های رسمی خود را می‌پذیرند، وظایف دیگری دارند که مجموع آنها را

می‌گیرند. در این بخش میتوان برحسب پیشنهاد افراد، امکان اصلاح امور را با توجه به ضوابط به خود آن‌ها واگذار کرد، به صورتی که اجازه یابند نظریات اصلاحی خود را در ابعاد مختلف سازمان پیاده کنند. علاوه بر این تغییر و نوآوری در سازمان مدیریت آموزش و پرورش زمانی تحقق می‌یابد که سه عامل ساختار سازمانی، ضوابط و اصول حاکم بر سازمان و مدیریت ضمن هماهنگی کامل با هم، هریک به طور جداگانه نیز از ماهیتی پویا برخوردار باشند. با اعمال این شیوه‌ها به نظر می‌رسد فضای لازم جهت ظهور اندیشه‌ها و همچنین به کارگیری آنها در سازمان‌های آموزشی فراهم گردد.

■ وضعیت مدارس در رابطه با تفکر خلاق

فلسفه، دیدگاه‌ها، روش‌هایی که در مدارس مورد استفاده قرار می‌گیرد و شرایطی که بر آنها حاکم است، تاثیر زیادی بر تفکر خلاق دارد. اعتقاد و آمادگی معلمان برای پذیرش مطالب و مسائل جدید نقشی بسیار مهم در پرورش تفکر خلاق ایفا می‌کند. مدارس به طور سنتی و به صورت عادی بیش‌تر بر حافظه‌ی افراد تکیه می‌کند و معلمان تکرار پاسخ‌های از قبل داده شده را بر فکر کردن ترجیح می‌دهند. در حقیقت همان‌طور که معلمان تدریس آسان را بر می‌گزینند و معمولاً سوال کنندگان افرادی زیاد و پراکنده دانش‌آموزان می‌گزینند، مدارس ما بیشتر به دنبال (اصل شیطان یا اخلاص گر) به حساب می‌آیند. مدارس ما بیشتر به دنبال (اصل قطعیت) هستند. اصل قطعیت بر این تفکر استوار است که برای هر پرسشی تنها یک پاسخ درست وجود دارد و بقیه پاسخها غلط است. معلمان و به طور کلی آموزش و پرورش درصدد آموزش مطالبی هستند که از نظر آن‌ها پاسخ درست تشخیص داده می‌شود. به همین دلیل، آموزش و تدریس به صورت یک امر تجویزی و تحمیلی به حساب می‌آید که در یک فضای محدود و بسته مطرح می‌شود و امکان حرکت و تلاش، بسیار کاهش می‌یابد و در نهایت مبدل به کاری خسته کننده می‌گردد. یکی از مشکلات مدارس ما، علاوه بر تکیه بر محفوظات این است که از نظر سطح آموزش بیش‌تر در قلمرو حیطه‌ی شناختی و سطوح اول تا حداکثر، سطح چهارم طبقه بندی علوم قرار می‌گیرد و مدارس و معلمان کم‌تر به افکار و رفتار خلاقانه اهتمام می‌ورزند. اگر فردی حرفه‌ای غیرمعمول و غیرمتعارف بزند، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرد، بلکه نکوهش و سرزنش می‌شود. دانشمندی می‌گوید: (سرزنش و مایوس کردن دانش‌آموز به خاطر رفتار و افکار غیرقابلی و متعارف، ممکن است ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی اکتشاف را در کودکان، از همان روزهای نخستین مدرسه خشک کند. مجال دادن به کودک برای ارائه اندیشه‌های خود یکی از مهم‌ترین اصول ایجاد تفکر آفریننده و توانایی سازنده است.)

■ نوآوری چیست؟

نوآوری عبارت از دگرگونی یا تغییری است که باعث (بهبود) جریانات گردد. لازم به ذکر است که در هیچ حرکتی به خودی خود بهبود به وجود نمی‌آید، مگر اینکه برای کنار گذاشتن شیوه‌هایی که کاربرد آنها کاهش

$$79 \times 3 \div 4 = ? = ?$$

یکی از ویژگی‌های اساسی انسان یادگیری است. یادگیری در نحوه‌ی مواجهه‌ی انسان با تغییرات محیطی موثر است. انسان‌ها با تغییر در فکر و رفتار خود قادر می‌شوند تا در خود و محیط خود دگرگونی تغییرات و تحولات مناسبی را به وجود آورند.

می‌توان (مشارکت در مدیریت و گرداندگی مدرسه یا سهیم شدن در یکپارچگی واحدهای آموزشی) دانست.
۳- افزایش نیروهای موجه معلم یار (نیروهای پیراملمی):

این نیروها وظایفی به عهده دارند که توان آموزشی معلم را استحکام می‌بخشد. معلم یاران نیروهایی هستند که در کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، مشاوره و راهنمایی، مراقبت‌های بهداشتی و نیز سنجش و ارزشیابی از فعالیت‌های انجام شده، وظایف خاصی به عهده می‌گیرند و تحرک آموزشی را همه‌جانبه و چندبعدی می‌کنند.

۴- گسترش کارافزارهای آموزشی:
با توسعه و گسترش افزارهای آموزشی نه تنها می‌توان میزان علاقه‌مندی به حرفه معلمی را بالا برد و مهارت‌های کاری معلمان را تقویت نمود، بلکه می‌توان یادگیرندگان را از قالب (مفعول بودن در یادگیری) به قالب (فاعل بودن در یادگیری) تغییر داد. مطالعه، آگاهی و آموزش تکنولوژی آموزشی برای شناخت این ضرورت کارساز است.

۵- ایجاد عادت به مطالعه در دانش‌آموزان: ایجاد عادت به مطالعه در دانش‌آموزان از واجب‌ترین نیازهای جامعه آموزشی ما است. شیوه‌های شناخته‌شده‌ای که می‌توانند این نیاز را برآورده کنند، محصول چند جنبه دارند. به این معنی که این شیوه‌ها نه تنها عادت به مطالعه در کودکان و نوجوانان را پی‌ریزی می‌کنند، گاه شاگردی برجسته معلمی پیش‌تاز،

یا پدر و مادری علاقه‌مند می‌توانند الهام بخش مدیران نوآور باشند.

هدف اساسی

بی‌تردید معلمان و پدران و مادران در یک هدف اصلی با هم شریک هستند. (آموزش دادن به بچه‌ها و ایجاد فضایی خلاق و نوآور در آن‌ها) حال هیچ‌کس مهم نیست این آموزش و یاد دادن در چه سنینی باشد یا چه نوع سرپرستی یا در سایه‌ی توجهات چه محیطی انجام پذیرد. خانواده با اعتماد فرزندانشان را به مدرسه می‌فرستند. مدرسه احترام بگذارد.

تمامی مدرسه‌های موفق، والدین دانش‌آموزان را درگیر فعالیت‌های خود کرده‌اند به‌طور حتم گرداندگی این مدارس به عهده مدیرانی بوده است که توانسته‌اند با شیوه‌های بدیعشان (شرایط معقول در وضع موجود) را از میان بردارند و تخیلات و جسارت‌های حرفه‌ای خود را به میدانهای بزرگ دگرگونی و تغییرهای مفید بکشانند.